

# واکاوی مبانی و اصول سبک پوشش اسلامی ایرانی بر اساس آیات قرآن و احادیث؛ از بعد جهان‌بینی تاهنجاری\*

□ حسین مهربانی فر<sup>۱</sup>

## چکیده

یکی از چالش‌های اساسی در مواجهه معقول با مسئله مد لباس در جامعه ایران، ابهام نسبت به مبانی و اصول اسلامی ایرانی پوشش است؛ ابهامی که سیاست‌گذاری، کشگری و سرمایه‌گذاری در این حوزه را نیز دچار سردرگمی و پراکندگی نموده است. در پژوهش حاضر به منظور دستیابی به برداشتی اولیه از چستی مبانی و اصول پوشش اسلامی ایرانی ذیل جهان‌بینی توحیدی فرهنگ ایرانی و نسبت آن با مد به مفهوم امروزی، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون به مطالعه آیات و احادیث مرتبط پرداخته شد. این مبانی و اصول در سه سطح: ۱- جهان‌بینی، ۲- ارزش‌ها (تقوا، حیا و عفاف) و ۳- هنجارها و رفتارها (پوشیدگی، پرهیز از تبرج، پرهیز از لباس شهرت، توجه به ماهیت صنعتی و وجه کارکردی لباس و...) دسته‌بندی و ارائه شد. بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت که هرچند مد در مفهوم و تجلی مدرن آن، از حیث مبنا و ماهیت در تناقض با ارزش‌ها و

هنجارهای منبعث از جهان‌بینی توحیدی قرار دارد، اما در دلالت کلی آن به سبک فراگیر پوشش در یک دوره زمانی و یکی از صنایع پرطرفدار فرهنگی، فرصتی در دستیابی به سبک متمایز و ملی اسلامی ایرانی است و می‌توان با تکیه بر اصول جهان‌بینی توحیدی در برابر کثرت نسبی گرایانه سرمایه‌داری در سبک پوشش، کثرتی وحدت‌بخش خلق کرد.

**واژگان کلیدی:** مد، سبک پوشش، پوشش اسلامی ایرانی، قرآن، حدیث.

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

رشد و گسترش مدرنیته و نظام معرفتی و ارزش‌های برآمده از هستی‌شناسی اومانیسم و فردگرایی - به‌ویژه از ابتدای سده بیستم - موجب تحولات بنیادینی در ساحت‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی جوامع غربی گردید و به تدریج خود را در وضعیت رفتاری، فناوری و سبک زندگی انسان مدرن جلوه‌گر ساخت.

مد<sup>۱</sup> نتیجه همین تحولات است؛ تحولات تجاری و سرمایه‌ای و اهمیت یافتن فردگرایی به تبع گسترش اندیشه اومانیستی و تحولات ساختار طبقاتی که به تعداد بیشتری از مردم امکان می‌داد به نمود ظاهر خود بیندیشند و پردازند (آرنولد، ۱۴۰۰: ۱۵-۱۶). در واقع، «ظرفیتی که از مضامین مدرنیته در مد ایجاد شده، بسیار مؤثر است. پذیرش معرفت‌شناختی مد در جنبش تاریخی و تغییرات اجتماعی، فرهنگی و زیبایی‌شناسانه آن (مدرنیته)، پایگاه خاص این امر فرهنگی را در نظر می‌گیرد» (Petrenko, 2015: 509). فشن جهت حرکت مدرنیته را نشان می‌دهد و در آن الغای سنت‌ها به‌عنوان یکی از خصلت‌های اساسی مدرنیته مشهود است (اسونسن، ۱۴۰۰: ۳۰).

زیمل در این خصوص ضمن اشاره به تغییر و تحولات جامعه مدرن، گذرا بودن پیوسته کلان‌شهر مدرن و محاصره شدن شهروندان از سوی بیگانگان را مورد توجه قرار داده و تأکید می‌کند این جنبه‌های گوناگون زندگی شهری، تهدیدی برای درک افراد از نفس خود و توانایی عملکردشان به‌عنوان شناساهای مستقل در محیط کلان‌شهر است (اسمیت و رابلی، ۱۳۹۴: ۴۳). در نتیجه، گمنامی نسبی افراد در یک شهر موجب

پیدایش نیاز به تمایز شخصی و راهی برای متمایز ساختن خویش از انبوه مردم می‌شود (بنت، ۱۳۸۶: ۹۹). فرد مدرن در این وضعیت، تنها با پیگیری نمادها و نشانه‌های منزلتی «مد» است که می‌تواند فردگرایی خود را گسترش داده و فشارهای زندگی جدید را تحمل کند. به یک معنا، «خود» از طریق مصرف مد است که می‌تواند اثبات شود (حسینی‌پور سی‌سخت، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

مد سبک یا سبک‌هایی است که در یک زمان مشخص پرطرفدار بوده و با تغییر سریع، مداوم و گردشی همراه است.<sup>۱</sup> اصطلاح مد بر چهار جزء دلالت می‌کند؛ سبک، تغییر، پذیرش و ذائقه (Frings, 2014: 64). یک شیء فشن اصولاً به هیچ کیفیت ویژه‌ای به جز نو بودن نیاز ندارد... گذرا بودن در ذات فشن است و در آن سماجی است برای ابداع رادیکال و جستجویی همیشگی برای اصالت. فشن به صورت چرخه‌ای پیش می‌رود و قاعده‌اش این است که این چرخه (بازه زمانی) تا جای ممکن کوتاه شود (اسونسن، ۱۴۰۰: ۳۴ و ۳۶).

از همین روست که ادعا می‌شود کم‌رنگ شدن پیوندها و منابع هویت‌بخش سنتی به‌ویژه در نسبت با خانواده و دین و تأکید بر خواسته‌ها و تمایلات فردی در انتخاب سبک زندگی هویت انسان مدرن، همراه با گرایش فزاینده به تغییر و امر نو، اصالت یافتن بدن و تبدیل شدن آن به پایه‌ای برای پروژه بازتابانه از هویت خود را -طبق توصیف گیدنز- به دنبال داشته است و «در چنین شرایطی، پوشش و آرایش بدن به‌عنوان روایت بیرونی هویت شخصی، با تنوعات گوناگونی که به مدد سرمایه‌داری به آن دست یافته است، به‌عنوان شأنی از شئون انسانی اهمیت زیادی پیدا کرده است» (ایلخانی‌پور نادری و شجاعی باغینی، ۱۳۸۹).

این امر در مدرنیته متأخر شدتی فزاینده می‌یابد؛ جامعه مدرن به تدریج از حالت

۱. مد‌ها در واقع، الگوهای فرهنگی‌ای هستند که از سوی بخش معینی از یک جامعه برای دوره زمانی نسبتاً کوتاهی پذیرفته شده و سپس رخت برمی‌بندند (Vago, 2003: 203). ارجاع به فرهنگ، بخش مهمی از تعریف یا توضیح چستی مد است و هر تعریفی از مد، ضرورتاً به فرهنگ اشاره خواهد داشت (Scapp & Seitz, 2010: 25). مد را می‌توان یک جلوه خلاق فرهنگی دانست که از لحاظ بوم‌شناختی به‌مثابه نظامی از معانی عمل می‌کند و برای بقا و رونق یافتن، دائماً نیاز به ترویج و پرورش، تجدید، تجاری‌سازی و بازتولید ذائقه عمومی دارد (Donsbach, 2008: 1742).

تولیدمحوری خود خارج و به محیطی خدماتی و مصرفی تبدیل می‌شود و با رشد روحیه مصرف‌گرایی در انسان امروز، نشانه‌ها و نمادهای تمایزبخش افراد در مصرف کالاهای نمادین نهفته شده و مصرف معطوف به هویت شده است که کانون دخل و تصرف آن در بدن است (ایلواری و ادربسی، ۱۳۹۹: ۳)؛ آن‌چنان‌که فدرستون در اثر «فرهنگ مصرفی و پسامدرنیسم» با تشریح تأثیرات مدرنیته متأخر یا پسامدرنیسم، علاقه عامه مردم نسبت به کامل جلوه کردن، فریبنده بودن، کنترل داشتن نسبت به بدن، خلاقیت نسبت به سبک خویش و مصرف سبک‌های متغیر را از ویژگی‌های این مرحله از تکامل اجتماعی و اقتصادی جوامع می‌داند و به‌نوعی، عامل اصلی مدیریت بدن را در فرهنگ مصرفی، رسانه‌ها و تکنولوژی خلاصه می‌کند (دانش‌مهر و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۹).

با توجه به این توضیحات می‌توان ادعا کرد برای اولین بار در تاریخ بشر با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که به موازات تغییر و تحولات زیربنایی در زیست انسان مدرن پدید آمده و تشدید شده است و بالطبع مواجهه صحیح و هدفمند با آن را به یک مسئله جدی برای جوامع سنتی با پیشینه عمیق فرهنگی تمدنی تبدیل کرده است. روشن است که چنین مواجهه‌ای، علاوه بر فهم ماهیت و اقتضائات مسئله مد و سبک پوشش در ظرف مدرنیته، بیش از هر چیز منوط به خودآگاهی و شناخت ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی بومی در نسبت با آن است.

به‌طور کلی، سبک لباس و پوشش، نماد فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و ملی انسان به حساب می‌آید که بیانگر لایه‌های زیرین هویت فرهنگی است. می‌توان گفت که به‌نوعی پوشش هر قوم و ملت، نشان‌دهنده فرهنگ آن قوم است (مهربانی‌فر، ۱۴۰۰: ۶۶). حتی مد لباس در معنای امروزی خود، گستره وسیعی از ارزش‌های اجتماعی را منعکس می‌کند و بر مجموع زیبایی‌شناسی هویت اجتماعی و مربوط به هستی دلالت می‌کند (Scapp & Seitz, 2010: 3). مد به‌عنوان منبعی از هویت، ارزش ناملموسی را با خود حمل می‌کند که در یک حوزه فرهنگی اجتماعی وضع می‌شود (Pinto & de Souza, 2013: 310). متفکران اجتماعی، مد را به‌عنوان پنجره‌ای گشوده بر هویت، طبقه اجتماعی و تغییر اجتماعی مورد بحث قرار داده و نظریه‌پردازان فرهنگی بر مد در جهت بازتاب معنای نمادین و ایده‌آل‌های اجتماعی تمرکز کرده‌اند

از این رو هرگونه بحث در زمینه مد و سبک پوشش اسلامی ایرانی نیز بدون توجه به مبانی هویت اسلامی ایرانی و فهم اصول و دلالت‌های آن در کیفیت پوشش و آرایش بدن، فاقد فایده و اثربخشی لازم خواهد بود؛ هویتی که مدرنیته به‌عنوان تبلور تمدن معاصر، یکی از ابعاد آن را تشکیل می‌دهد. توضیح آنکه هویت فرهنگی یک ملت، حاصل خودآگاهی نسبت به انباشتی تاریخی از تجربه‌های فرهنگی آن ملت است که در طول زمان شکل گرفته است. طبیعی است که این مبنا در مورد کشوری چون ایران با پیشینه تاریخی تمدنی هزاران ساله آن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار باشد؛ چراکه مجموعه‌ای بی‌نظیر از انباشت‌های گوناگون تجربی را در خود اندوخته است (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

با توجه به اینکه هویت فرهنگی ایرانیان در طول تاریخ، حاصل برخورد و آمیزش فرهنگ‌های مختلف بوده است، اگر از خرده‌فرهنگ‌های محلی چشم‌پوشی کنیم، به نظر می‌رسد میراث «فرهنگ ایران باستان»، «فرهنگ اسلامی» و «مدرنیته» با درجه‌های گوناگون، سه عنصر برجسته فرهنگ امروزی ما را تشکیل می‌دهند (مفتخری، ۱۳۹۲: ۹۵). در واقع ما هم‌زمان با سه چیز در تماس هستیم: ۱- جهان‌پدیداری به‌مثابه نرم‌افزار که همان اسلام است، ۲- مکان و جغرافیای ما یعنی ایران و ۳- تمدنی که در تاریخ ما حضور داشته است که در حال حاضر تمدن غرب (مدرنیته) است (فیاض، ۱۳۹۴: ۳۲). نکته بسیار مهم آن است که در این منابع سه‌گانه، اگرچه ایرانیت طول تاریخی گسترده‌تری را به خود اختصاص داده، اما این اسلامیت و به‌ویژه تشیع است که در حافظه تاریخی ایرانیان جزء رسوبات فعال شده و عملاً به هسته سخت هویت تبدیل شده است؛ چه اینکه اسلام و به‌ویژه قرائت شیعی آن، جامعه را تا پیش از ورود به دنیای مدرن اداره کرده و نظام و ساختار اجتماعی و فرهنگی را مدیریت کرده است؛ از سوی دیگر، معاصر بودن تأثیرپذیری از موج منبع غربی هویت فرهنگی، جزء لایه سطحی هویت ایرانیان بوده و به حافظه تاریخی و رسوبات سخت فرهنگی ایرانیان نپیوسته است. از این‌روست که هویت فرهنگی متأثر از نگرش توحیدی اسلام و تشیع، در میان منابع هویتی دیگر جایگاهی ممتاز داشته و باید در بیان مؤلفه‌های هویت فرهنگی

ایرانیان مورد توجه جدی قرار گیرد (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۶۳ و ۱۶۷).

دین‌داری و خدامحوری، عنصر اساسی هویت ایرانیان در طول تاریخ بوده و همین نگرش «وحدت وجودی به عالم» یا همان نگاه عرفانی است که وی را از انسان غربی خودبنیاد و فردگرا متمایز می‌نماید. در طول تاریخ، بین دیانت و هویت دینی و ملی ایرانی هیچ تعارضی وجود نداشته و دین‌داری به‌عنوان عنصر اساسی هویت ایرانی، خودش را در هویت ملی هم بازتولید کرده است (افروغ، ۱۳۸۷: ۳۸-۳۹). به سخن دیگر، هرچند که هویت در ایران چندلایه‌ای و چندضلعی است، اما در عین حال، کنشگران ایرانی تعارض و مزاحمتی بین دین‌داری و تعلقات اسلامی با تعلقات میهنی و ملی خود احساس نمی‌کنند که علت آن، همنشینی تاریخی و همزیستی درازمدت دین اسلام با عناصر فرهنگ ملی ایرانیان بوده است (حاجیانی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). بنابراین می‌توان بر اساس سازگاری محتوای هویت ایرانی و هویت اسلامی، این دو را در طول یکدیگر تبیین و تفسیر نمود و علی‌رغم اختلاف تاریخی بر اساس منطق انباشتی، آن‌ها را در حکم یک بسته هویتی در نظر گرفت که مؤلفه‌های آن مکمل یکدیگر می‌باشند.

هویت اسلامی ایرانی را می‌توان به‌عنوان برابندی در نظر گرفت که از شناخت آموزه‌های اسلامی ایرانی، درونی کردن آن‌ها و نیز پایبندی عملی به آموزه‌های مذکور، برای افراد حاصل می‌شود. این آموزه‌ها در فرایند تطبیق علمی فرهنگ گذشته ایران با مبانی اسلامی و با معیار قرار دادن اسلام در این فرایند به دست می‌آید (سبحانی‌نژاد و امیری، ۱۳۹۲: ۴۱۸).

بر همین اساس می‌توان گفت پوشش (لباس) اسلامی ایرانی به سبک‌هایی در پوشش با محوریت جهان‌بینی توحیدی جامعه ایران اشاره دارد که از یک سو به اقتضائات ملی و بومی فرهنگ اقوام گوناگون ایرانی (سنت‌های پوشش ایرانیان در جغرافیای فرهنگی ایران) نظر دارد و از سوی دیگر، نظام اخلاقی و دینی مبتنی بر دین مبین اسلام در آن لحاظ شده است. اصول و مبانی در تبیین این سبک پوشش و محدودهٔ هنجارها و ناهنجارهای آن، بر اساس شرع و عرف تعیین خواهد شد.

نظر به خلأ تصویری روشن از نظام ارزشی هنجاری پوشش اسلامی ایرانی به‌عنوان پیش شرط مواجههٔ معقول و واقع‌بینانه با پدیده مد و سبک پوشش در دوره معاصر و

دستیابی به مصادیق عینی و مطلوب، در پژوهش حاضر، تمرکز اصلی بر بعد نرم‌افزاری و هستی‌شناسانه هویت اسلامی ایرانی (توحیدگرایی به‌عنوان بنیان هویت ایرانی) و دریافتی اولیه از نظام ارزشی هنجاری آن در سبک پوشش بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم‌السلام است و در نهایت، پاسخ‌گویی به این سؤال دنبال می‌شود که «مبانی موجود در سبک پوشش اسلامی ایرانی، چه نسبتی با مد به مفهوم امروزی آن برقرار می‌کند و لباس اسلامی ایرانی از بعد جهان‌بینی و نظام ارزشی هنجاری، واجد چه اصولی است؟»

پژوهش‌های متعددی مسئله پوشش و به‌طور خاص عفاف و حجاب را در قرآن و احادیث مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ اما غالب آن‌ها در مواجهه با مسئله مد و سبک پوشش در دوران مدرن، به صورت‌بندی گزاره‌های هستی‌شناسانه، ارزشی و هنجاری نپرداخته و از حیث روشی غالباً وجهی توصیفی داشته‌اند.

در ارتباط با این مهم، موسوی (۱۳۹۷) با مرور آیات و روایات، به تحلیل و بررسی مد و مدگرایی و آراستگی در سبک زندگی اسلامی پرداخته است؛ اما طبقه‌بندی روشنی از اصولی که بایستی به‌عنوان مبنای حصول شاخص‌های لباس اسلامی ایرانی مورد توجه قرار گیرد، به دست نداده است. از سوی دیگر، پژوهش بابایی و اکبری (۱۳۹۳) به‌طور خاص، مسئله عدم وجود ساختار نظری مدون برای بنیان‌های فکری سبک طراحی ایرانی اسلامی را مدنظر قرار داده و تلاش نموده است با تبیین اصول ارزشی فرهنگی و زیباشناختی حاکم بر پوشش زنانه و بر اساس مستندات تاریخی که درباره پوشش زن در ایران وجود دارد، اصول و قواعدی را که در طراحی لباس به سبک ایرانی به کار رفته است، تدوین نماید. ایشان در این پژوهش در عین اینکه هم از مستندات تاریخی تمدنی ایران و هم مستندات دینی در حوزه پوشش بهره می‌جویند، اما به‌طور جدی بر مطالعه، تحلیل و استخراج مضامین آیات و روایات و نظام ارزشی هنجاری پوشش متمرکز نشده‌اند و همچنان خلأ مطالعات تکمیلی در این حوزه احساس می‌شود.

از این‌رو، وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر در توجه به بعد نرم‌افزاری (نظام جهان‌بینی و ارزشی هنجاری) لباس ایرانی از طریق تحلیل، طبقه‌بندی و نسبت‌یابی مضامین محوری آیات و احادیث و روایات مرتبط با این حوزه است؛ پژوهشی که می‌تواند

زمینه‌ساز دستیابی به شاخص‌های اولیه در طراحی، تولید و ارزیابی پوشاک اسلامی ایرانی، ایجاد ذهنیت مشترک در سیاست‌گذاران و کنشگران و همچنین حصول مصادیق عینی لباس اسلامی ایرانی در چارچوب شکل‌گیری صنعت بومی بوده و از ابهامات، پراکندگی و مواجهه‌های سلیقه‌ای و مقطعی در ساحت سیاست‌گذاری و فعالیت در این عرصه بکاهد.

## ۲. روش‌شناسی

در این پژوهش، ضمن دنبال کردن روش توصیفی تحلیلی در بحث از هستی‌شناسی توحیدی و مرور آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام، به‌طور خاص از روش تحلیل مضمون<sup>۱</sup> در مطالعه و تحلیل آیات و روایات مرتبط با حوزه لباس و سبک پوشش بدن استفاده شده است. نمونه‌گیری از نوع هدفمند بوده است؛ «انتخاب مواردی از یک نوع خاص» (بلیکی، ۱۳۹۷: ۲۶۶)؛ آیات و روایات بر محور کلیدواژه‌های «لباس» و «توب/ثياب» و سایر کلیدواژگانی که در نسبت با کیفیت پوشش بدن مورد توجه قرار گرفته‌اند (حیا، عفاف، حفظ فرج و...)، انتخاب شدند؛ مجموعاً تا حصول اشباع نظری، ۱۲ آیه و ۶۵ حدیث و روایت انتخاب و تحلیل شد. انتخاب احادیث به‌طور غالب از منابع معتبر حدیثی شیعه (الکافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام، الاستبصار و وسائل الشیعه و...) صورت گرفته است؛ از این رو، روایاتی که سند دقیق و روشنی برای آنها وجود نداشت، مورد توجه قرار نگرفت.

۱. این روش بر تعیین، بررسی و ضبط دقیق الگوها (یا تم‌ها) در داده‌ها، و همچنین بر سازمان‌دهی و شرح عمیق داده‌ها تأکید دارد. تحلیل مضمون، از شمارش عبارات و یا کلمات در یک متن فراتر می‌رود و به سمت شناسایی ایده‌های صریح و ضمنی در داده‌ها حرکت می‌کند. بسیاری از محققان، تحلیل مضمون را به‌عنوان یک روش بسیار مفید در حذف پیچیدگی‌های معنایی در یک مجموعه داده می‌دانند (Guest, 2012: 11). رویه‌های مختلفی برای انجام تحلیل تماتیک وجود دارد. در این پژوهش، طرح ساده تحلیل تماتیک ولکات مبنا قرار گرفته است. وی فرایند تحلیل داده‌ها را دارای سه مرحله عمومی توصیف، تحلیل و تفسیر می‌داند. در مرحله توصیف، داده‌ها در یک نظم و پیوستار زمانی قرار می‌گیرند. نظم مذکور می‌تواند بر اساس نظر محقق یا فرد مشارکت‌کننده در تحقیق باشد. در مرحله تحلیل، داده‌ها سازمان‌دهی، تنظیم و مقوله‌بندی می‌شوند. در مرحله تفسیر نیز تفسیرهای اصلی عمدتاً با رویکرد مقایسه‌ای انجام می‌شوند (محمدپور، ۱۴۰۰: ۳۹۱).



### ۳. یافته‌ها

پس از انتخاب آیات و احادیث مرتبط، مطالعه آن‌ها بر اساس الگوی تحلیل تماتیک ولکات در سه سطح توصیف، تحلیل و تفسیر صورت گرفت. برای رعایت اختصار، سطح اول که استخراج کدهای اولیه و برجسب‌های توصیفی از آیات و احادیث بود، در اینجا ذکر نشده است. اما در ادامه، سازمان‌دهی، تنظیم و مقوله‌بندی داده‌ها که در قالب ۱۳ مضمون اصلی صورت گرفته، به همراه کدها یا زیرشاخه‌های آن در جدول ذیل ارائه شده و در ادامه آن، شرح و تفسیر هریک از این مضامین انجام شده است.

ردیف	مضمون	کدبندی مرتبط
۱	لباس، نعمت و نشانه الهی	<p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: لباس ظاهر نعمتی از سوی خداوند برای کرامت انسان (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۶۱/۱۱)؛ پوشش و پوشاندن کار خدا (اعراف/ ۲۶)؛ نوآوری‌ها و اختراعات، الهاماتی الهی (انبیاء/ ۸۰)؛ تأمین نیازهای ثانویه مانند زینت‌هایی برای پوشش علاوه بر نیازهای طبیعی اولیه از سوی خداوند (نحل/ ۱۴)؛ امام صادق <small>علیه السلام</small>: بهترین لباس، لباسی که انسان را از یاد خدا باز ندارد و به سپاسگزاری و پیروی از او نزدیک کند (همان)</p> <p>برکنده شدن لباس و برهنگی، حاصل فتنه شیطانی و نتیجه خروج از جایگاه قرب الهی (اعراف/ ۲۷)؛ برهنگی نشانه عدم ایمان و سلطه شیطان (اعراف/ ۲۷)</p>
۲	لباس تقوا، حیا و عفاف	<p>پاکدامنی مرد و زن (حفظ فرج) (نور/ ۳۰-۳۱)؛ حیای چشم (غصص بصر) (نور/ ۳۱-۳۰)؛ حیاورزی در راه رفتن زن (قصص/ ۲۵)</p> <p>حیا عامل پوشاندن عیوب و زشتی‌ها و دیدن نشدن آن‌ها از سوی مردم (نهج البلاغه، ۱۳۸۹: ۱۱۸۵، ح ۲۱۴)</p> <p>حیا علت پاکدامنی و عفاف (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۲/۴، ح ۵۵۲۷)؛ حیا کلید همه خوبی‌ها (همان: ۹۳/۱، ح ۳۴۰)؛ اندازه حیا تعیین کننده میزان عفاف (همان: ۳۱۲/۴، ح ۶۱۸۱)</p> <p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: وجه غالب حیا در زنان (صدوق، ۱۴۱۳: ۴۶۸/۳)</p> <p>برتر بودن لباس تقوا به عنوان نیروی کنترل کننده و پیشگیرانه از زشتی‌ها (اعراف/ ۲۶)؛ امام صادق <small>علیه السلام</small>: لباس تقوا زیباترین لباس برای مؤمن (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۳۲۴/۳)</p>

ردیف	مضمون	کدبندی مرتبط
		<p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: اهمیت لباس ایمان و زینت تقوا (حزّ عاملی، ۱۴۰۳: ۵۰/۵)</p> <p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: پاکدامنی (عفاف)، خودپوشی، حیا و متانت از جنود عقل (کلینی، ۱۳۶۷: ۲۰/۱)</p> <p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: رسوایی و تهور، خودآرایی و بی‌حیایی و سبکی و جلفی از جنود جهل (همان)</p> <p>عفاف و پاکدامنی زکات زیبایی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۰۵/۴، ح ۵۴۴۹)</p>
۳	پوشیدگی و پرهیز از برهنگی و بدن‌نمایی	<p>عیب‌پوشی (پوشاندن زشتی‌ها) لباس؛ ایجاد حریم و زینت‌بخشی (بقره/۱۸۷): اهمیت پوشش سر و گردن و سینه (نور/۳۱)</p> <p>پوشاندن زینت‌ها و زیبایی‌های زن از نامحرمان (نور/۳۱): پوشاندن زشتی‌های بدن (ستر عورات) و عدم نمایان ساختن آن‌ها در عین آراستگی و زیبایی لباس (اعراف/۲۶)</p> <p>پوشیدگی لباس زنان مسلمان عامل تمایز ایشان از دیگران (غیرمسلمانان و غیرمؤمنان) (احزاب/۵۹): پوشیدن لباسی که معرفت شخصیت زن برای تأمین عفت و آبرو باشد (احزاب/۵۹)</p> <p>امام علی <small>علیه السلام</small>: برهنگی زنان و هم‌نشینی آن با فاصله گرفتن از دین، شهوت‌رانی، لذت‌گرایی و جاودانگی در جهنم (هشدار نسبت به برهنگی زنان در آخرالزمان) (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۹۰/۳)</p> <p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: پوشش کامل بدن در زنان مسلمان؛ جایز نبودن پوشیدن روسری و پیراهن کوتاه که بدن را نپوشاند (حزّ عاملی، ۱۴۰۳: ۵۱۸۱/۳۰)</p> <p>امام باقر <small>علیه السلام</small>: پوشیدگی و پاکدامنی (عفاف) زن و ترک ابتذال و عدم ظاهر شدن وی با آرایش در جمع مردان، از شرایط پذیرش شهادت ایشان (همان: ۳۹۸/۲۷؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۱۳/۳)</p> <p>پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>: پوشش بدن‌نما و هوس‌بازی و دل‌فریبی زنان در نوع پوشش، مانع رستگاری و ورود به بهشت</p> <p>امام علی <small>علیه السلام</small>: نازکی و بدن‌نما بودن لباس فرد موجب ضعیف شدن دین‌داری وی (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۲/۱۰)</p>
۴	پرهیز از تفاخر، تبرج و	<p>پرهیز از جلب توجه و نمایش زینت‌ها (نور/۳۱)</p> <p>جایز نبودن پوشیدن هرگونه کفش و لباسی که هنگام راه رفتن، سبب</p>

کدبندی مرتبط	مضمون	ردیف
<p>آشکار شدن زیور و زیبایی های زن شود (نور / ۳۱)</p> <p>حضور اجتماعی زنان بدون تبرج و جلوه گری (احزاب / ۳۳)</p> <p>تبرج و خودنمایی نشانه جاهلیت (احزاب / ۳۳)</p> <p>تبرج و خودنمایی نوعی ارتجاع و عقب گرد و ضرورت پرهیز از ارتجاع (احزاب / ۳۳)</p> <p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: نفی جلب توجه دیگران با لباس در اجتماع (بیرون از خانه)؛ پرهیز زن مسلمان از قرار دادن لباس به عنوان وسیله ای برای جلب توجه دیگران (کلینی، ۱۳۶۷: ۵/۵۱۹)</p> <p>پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>: فخرفروشی و مباحثات با لباس از عوامل جهنمی شدن و هم نشینی با قارون (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۶/۸۶)</p> <p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: عجب، تکبر، ریا و تفاخر با لباس از آفات دین و موجب قساوت قلب (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۳/۳۲۴)</p> <p>امام رضا <small>علیه السلام</small>: گناه بزرگ آرایش برای نامحرمان (کلینی، ۱۳۶۷: ۴۸۰/۶)</p>	<p>جلوه گری جنسی</p>	
<p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: انگشت نما بودن و شهرت در پوشش، عامل رسوایی و خواری (همان: ۴۴۵/۶)</p> <p>امام کاظم <small>علیه السلام</small>: تقبیح لباس شهرت و انگشت نما شدن (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۱۳/۷۹)</p> <p>امام حسین و امام صادق <small>علیه السلام</small>: مورد عذاب بودن (در آتش بودن) شهرت (کلینی، ۱۳۶۷: ۴۴۵/۶: ح ۳/۳۵۴)</p> <p>امام صادق و امام رضا <small>علیه السلام</small>: مبعوض بودن و منفور بودن لباس شهرت نزد خدا (کلینی، ۱۳۶۷: ۴۴۵/۶: ح ۱/۷۹)</p> <p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: تعادل در پوشیدن لباس؛ پرهیز از لباس شهرت و پرهیز از لباس دون شأن (لباسی که آدم را بی مقدار جلوه دهد) (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲/۱۸۵، ح ۲۳۱۶)</p> <p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: زمان شناس بودن در پوشیدن لباس (کلینی، ۱۳۶۷: ۴۴۴/۶)</p> <p>امام علی <small>علیه السلام</small>: پوشش متعارف شیعیان (نه بدها را پوشند و نه به زیور بیاریند) (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۹/۷۸)</p> <p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: تناسب لباس با شرایط زمان (همان: ۳۱۵/۷۹)</p>	<p>رعایت عرف جامعه اسلامی و پرهیز از لباس شهرت</p>	۵

ردیف	مضمون	کدبندی مرتبط
		امام صادق <small>علیه السلام</small> : بهترین لباس در هر زمان، لباس مردمان همان دوره (حزّ عاملی، ۱۴۰۳: ۸/۵) پوشیدن لباسی که در شأن فرد نیست، از مصادیق اسراف و از نشانه‌های شخص مسرف (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۶۷/۳)
۶	التزام به هنجارهای جنسی و جنسیتی در لباس	پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> : قرین بودن تشبه زنان به مردان و مردان به زنان در پوشش با لعن الهی؛ هشدار نسبت به پوشش زنانه آقایان و پوشش مردانه زنان (کلینی، ۱۳۶۷: ۵۵۲/۵)؛ امام باقر <small>علیه السلام</small> : جایز نبودن تشبه زنان به مردان و برعکس (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۴۶/۳)
۷	سبک پوشش درون‌زا و نفی تقلید از بیگانگان	شبهت به اقوام دیگر، زمینه‌ساز تعلق و پیروی از ایشان (نهج البلاغه، ۱۳۸۹: حکمت ۲۰۷؛ حزّ عاملی، ۱۴۰۳: ۲۶۸/۱۵)؛ امام صادق <small>علیه السلام</small> : سرمشق‌گیری و الگوگیری از دشمنان خدا در لباس، موجب قرار گرفتن در ردیف آنان به‌عنوان دشمن خدا (حزّ عاملی، ۱۴۰۳: ۱۴۶/۱۵)؛ امام صادق <small>علیه السلام</small> : سبک زندگی درون‌زا و بومی، عامل نیکبختی امت اسلامی؛ پوشیدن لباس بیگانگان از عوامل خواری و ذلت (همان: ۲۷/۵)
۸	جنس مطلوب لباس	امام صادق <small>علیه السلام</small> : لباس کتان، لباس پیامبران و عامل رویانیدن گوشت بدن (کلینی، ۱۳۶۷: ۴۴۹/۶)؛ امام علی <small>علیه السلام</small> : تأکید بر پوشیدن لباس پنبه‌ای؛ لباس رسول خدا و لباس اهل بیت <small>علیهم السلام</small> (همان: ۴۴۶/۶)؛ امام صادق <small>علیه السلام</small> : ممنوعیت پوشیدن لباس حریر و ابریشم خالص برای مردان جز در جنگ (همان: ۴۵۲/۶؛ طوسی، ۱۳۶۴: ۲۰۸/۲)
۹	رنگ روشن لباس	پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> : لباس سفید از بهترین لباس‌ها؛ نیکوتر و پاکیزه‌تر بودن لباس سفید (حزّ عاملی، ۱۴۰۳: ۲۷/۵؛ کلینی، ۱۳۶۷: ۴۴۵/۶)؛ پوشیدن لباس زردرنگ (کلینی، ۱۳۶۷: ۳۰۸/۱)؛ لباس سبز بهشتیان (انسان/ ۲۱: کهف/ ۳۱)
۱۰	تناسب و آراستگی لباس	امام صادق <small>علیه السلام</small> : پوشیدن لباس زیبا (همان: ۳۴۰/۳)؛ امام صادق <small>علیه السلام</small> : آراستگی و پوشیدن نیکوترین نوع لباس زمانه خود (کلینی، ۱۳۶۷: ۴۴۰/۶)؛ آراستگی و مرتب بودن پوشش در اجتماع و میان مردم (صدوق، ۱۳۰۰: ۱۷۸/۲، ب، ۴۴، ح، ۱)؛ هماهنگی و تناسب لباس و رنگ

ردیف	مضمون	کدبندی مرتبط
		آن با بدن (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۵۰/۱۶)
۱۱	توجه به ماهیت صنعتی و وجه کارکردی لباس در جامعه دینی	صنعت بودن لباس به‌ویژه لباس نظامی (پوشش‌های دفاعی) (انبیاء/ ۸۰)؛ منبع و ظرفیت بی‌ظنیر دریاها در استخراج زینت‌های پوشیدنی (نحل/ ۱۴) صنعت لباس در خدمت مردم و نه در سلطه مستکبران و افراد خاص (انبیاء/ ۸۰)
۱۲	بهداشت و پاکی لباس	پاکی و طهارت لباس (مدثر/ ۴)؛ پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> : پاکیزه نگه داشتن لباس (کلینی، ۱۳۶۷: ۴۴۱/۶)؛ امام صادق <small>علیه السلام</small> : پاکیزگی لباس عامل خواری دشمنان (همان: ۴۸۸/۶)؛ امام علی <small>علیه السلام</small> : نظافت و بهداشت لباس عامل رفع غم و اندوه (همان: ۴۴۴/۶)؛ امام صادق <small>علیه السلام</small> : اظهار نعمت الهی در پوشیدن لباس تمیز (همان: ۴۳۹/۶) امام صادق <small>علیه السلام</small> : از حلال بودن لباس (حز عاملی، ۱۴۰۳: ۳۴۰/۳)؛ امام صادق و امام کاظم <small>علیه السلام</small> : ذبح شرعی از شرایط پوشیدن پوستین (لباس چرم) به‌ویژه در نماز (کلینی، ۱۳۶۷: ۳۹۸/۳)
۱۳	حریم‌داری و تفکیک میان لباس خانه و اجتماع	امام باقر <small>علیه السلام</small> : آراستگی و پوشیدن لباس زیبا در خانه و میان محارم (همان: ۴۴۶/۶)؛ امام کاظم <small>علیه السلام</small> : نهی از پوشیدن لباس بیرون در جای کثیف به‌عنوان مصداق اسراف؛ امام صادق <small>علیه السلام</small> : پوشیدن لباس بیرونی در درون خانه مصداق اسراف (همان: ۵۶/۴)؛ امام صادق <small>علیه السلام</small> : استفاده از لباس رسمی و بیرونی به‌عنوان لباس کار و خانه از مصادیق اسراف (همان: ۴۴۱/۶)؛ پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> : آرایش و خودنمایی زن برای شوهر و پوشش وی از نامحرمان (بهترین زنان) (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳۵/۱۰۳)؛ امام رضا <small>علیه السلام</small> : آرایش زن و شوهر برای یکدیگر عامل تقویت محبت، قوام خانواده و روابط زناشویی (کلینی، ۱۳۶۷: ۴۸۰/۶)؛ امام صادق <small>علیه السلام</small> : پوشیدن بهترین لباس‌ها و بهترین زینت، از حقوق شوهر بر همسر (حز عاملی، ۱۴۰۳: ۱۱۲/۱۴)؛ امام رضا <small>علیه السلام</small> : زیبایی و آراستگی مردان در خانه موجب عفت بیشتر زنان خود و پیشگیری از فساد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰/۷۳)؛ امام صادق <small>علیه السلام</small> : نهی از عریانی زنان مسلمان در برابر زنان یهودی و مسیحی (حز عاملی، ۱۴۰۳: ۱۳۳/۱۴)

جدول ۱: مقوله‌بندی (مضامین محوری) کدهای اولیه

### ۱-۳. لباس، نعمت و نشانه الهی

این مضمون، حکایت از جهان‌بینی و نگرش توحیدی در مسئله لباس دارد. لباس و پوشانده شدن بدن، نعمتی الهی است که خداوند آن را برای کرامت انسانی قرار داده و بهره‌مندی از زینت و جمال وسیله‌ای برای آشکار کردن نعمت و سپاسگزاری از منعم (خداوند متعال) دانسته می‌شود. همچنین به‌عنوان نشانه‌ای الهی شایسته است که نه تنها انسان را از یاد خدا غافل نکند و زمینه غفلت و گمراهی دیگران را در جامعه ایجاد ننماید، بلکه ذکر او را در دل زنده ساخته و آدمی را به سپاسگزاری و پیروی او نزدیک کند. در مقابل، برهنگی حاصل فتنه شیطانی، نشانه عدم ایمان و ذلت و خواری، و خروج از جایگاه قرب الهی دانسته می‌شود.

### ۲-۳. تقوا، حیا و عفاف

در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بر تقوا و حیا به‌عنوان عامل پوشاندن عیوب و زشتی‌ها و دیدن نشدن آن‌ها از سوی مردم و اساساً علت عفاف و پاکدامنی تأکید شده است. تا عنصر پیشگیرانه تقوا و حیا نباشد و در رفتارهای انسان مثل غصّ بصر، حیا در راه رفتن و... متجلی نشود، اساساً پاکدامنی و عفاف محقق نمی‌شود. از این‌روست که در روایات بسیاری از معصومان علیهم‌السلام عنصر تقوا و حیا مورد تأکید قرار گرفته است. در آیه ۲۶ سوره اعراف، خاستگاه الهی لباس جسم به‌عنوان صورت نازله تقوا مطرح شده و بر برتر بودن لباس تقوا به‌عنوان پوشاننده عیوب، نیروی کنترل‌کننده و پیشگیرانه از زشتی‌ها تأکید گردیده است. در روایات، یکی از مظاهر تقوا و حیا، لباس و پوشش معرفی شده است که از این‌رو توجه به عنصر حیا را در لباس و پوشش ضروری می‌نماید. تقوا و حیا مقدم بر زینت و لباس جسم است؛ چه در صورت ضعف یا نبود آن، لباس می‌تواند ابزار اسراف، تفاخر، تبرج، جلوه‌گری، فساد و... شود. اهمیت این امر تا آن‌جاست که پاکدامنی (عفاف)، خودپوشی، حیا و متانت از جنود عقل، و رسوایی و تهور، خودآرایی و بی‌حیایی و سبکی و جلفی از جنود جهل معرفی شده است.

### ۳-۳. پوشیدگی و پرهیز از برهنگی و بدن‌نمایی

با مروری بر تکرارها و تأکیدات صورت گرفته در آیات و روایات می‌توان دریافت

که مهم‌ترین و اصلی‌ترین مشخصه ظاهری در پوشش اسلامی ایرانی به‌ویژه لباس زنان، پوشیدگی آن و پرهیز از برهنگی و بدن‌نمایی لباس است؛ آن‌چنان‌که بر پوشاندن زشتی‌های بدن و عدم نمایان ساختن آن‌ها (پنهان نمودن شکل فیزیکی اندام‌ها) و پیشگیری از انحرافات به‌عنوان کارکرد اصلی لباس تأکید شده و از پوشش نازک و بدن‌نما به‌عنوان عامل ضعیف شدن دین‌داری و مانع رستگاری و ورود به بهشت نهی شده است. مطابق با این دیدگاه، پوشیدگی لباس زنان مسلمان عامل تمایز ایشان از دیگران و نیز عفت، آبرو و امنیت و آرامش بیشتر ایشان در جامعه است.

### ۳-۴. پرهیز از تفاخر، تبرج و جلوه‌گری جنسی

در آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام از جلب توجه، فخرفروشی و نمایش زینت‌ها نهی شده و تبرج که به‌نوعی با انگیزه جنسی و جلوه‌گری جنسی همراه است، نشانه جهل و جاهلیت دانسته شده است. از این‌رو، مدگرایی و گرایش افراطی به مد لباس چنانچه از لحاظ روانی با نوعی خودنمایی و نیاز به جلب توجه به خود همراه بوده و در بافتی از چشم‌وهم‌چشمی جنسی و اجتماعی رخ دهد، از دیدگاه اسلام امری مطرود و منفی است.

### ۳-۵. رعایت عرف جامعه اسلامی و پرهیز از لباس شهرت

این مضمون به‌طور خاص، اعتباری بودن لباس به اقتضای هر عصر و زمان و هر موقعیت مکانی را مورد توجه قرار می‌دهد؛ اما اعتباری بودن که ناظر به اصول وحدت‌بخش توحیدی و به‌ویژه تقوا، حیا و عفاف و سایر مضامین مذکور است. لباس باید با استانداردها و معیارهای رایج پوشش در میان مسلمانان در هر دوره هماهنگ باشد و از این‌رو از انتخاب لباس‌هایی که موجب انگشت‌نما شدن و جلب توجه در جامعه می‌شوند -تحت عنوان لباس شهرت- نهی شده است. مؤمن باید زمان‌شناس باشد و لباس متعارف زمانه خود را بپوشد.

### ۳-۶. التزام به هنجارهای جنسی و جنسیتی در لباس

توجه به عنصر جنس و جنسیت در پوشش و کیفیت طراحی مد و لباس نیز از جمله

مواردی است که در هنجارهای پوشاک مورد توجه جدی آموزه‌های اسلامی است؛ به گونه‌ای که شاهد تأکیدات فراوانی مبنی بر رعایت این گونه از حدود مرزها در انتخاب نوع پوشاک و نهی از تشبه مرد و زن به یکدیگر بدین طریق هستیم؛ تا آنجا که پوشیدن لباس مخصوص مردان برای زنان و لباس مخصوص زنان برای مردان از نظر تعالیم اسلامی حرام و مورد لعن الهی شمرده شده است.

### ۷-۳. سبک پوشش درون‌زا و نفی تقلید از بیگانگان

در آموزه‌های اسلامی، بر سبک پوشش مقوم استقلال فرهنگی، اقتدار و عزتمندی تأکید شده است؛ آن‌چنان که از شباهت به اقوام بیگانه به عنوان مسئله‌ای که به تدریج حس تعلق به آن‌ها و پیروی از ایشان را به دنبال دارد، نهی شده و حتی چنین تقلیدی، از عوامل خواری و ذلت امت اسلامی دانسته شده است. دنباله‌روی از الگوهای مد و لباس جوامع غیرمسلمان و اهل کفر و سلطه و مصرف آن‌ها در جامعه اسلامی، به مرور زمان هویت دینی و بومی مسلمانان را خدشه‌دار کرده، باعث وابستگی فرهنگی و اقتصادی شده و در نهایت با تشبه به کفار موجب قرار گرفتن در ردیف دشمنان خدا می‌شود.

### ۸-۳. جنس مطلوب لباس

در احادیث و روایات به مسئله جنس لباس هم توجه شده و تأکید ویژه‌ای بر پوشیدن لباس کتان و پنبه گردیده و در عین حال از پوشیدن لباس ابریشم خالص و لباس‌های طلا بافت برای مردان نهی شده است. اما زنان در این مورد، آزادی بیشتری دارند و به جز لباس‌هایی که از پوست مردار یا حیوان حرام گوشت تهیه می‌شود - و برای هر دو جنس حرام است - مجاز به پوشیدن هر جنس پارچه‌ای هستند.

### ۹-۳. رنگ روشن لباس

در آموزه‌های قرآن و احادیث بر رنگ‌های روشن در لباس به ویژه رنگ سفید، بسیار تأکید و از رنگ سیاه نهی شده است؛ چه اینکه این امر خود در پاکیزگی لباس هم مؤثرتر است. در عین حال باید توجه داشت که با توجه به اصول و قیود پیش گفته،



بهره‌گیری از هر رنگی در لباس که با عرف جامعه سازگار نبوده و به‌نوعی شهرت در لباس را رقم می‌زند و یا رنگ‌هایی که به‌نوعی تداعی‌کننده الگوهای جوامع اهل کفر و سلطه و برگرفته از آنهاست، نهی و مذمت شده است.

### ۱۰-۳. تناسب و آراستگی لباس

سفارش‌های متعددی در احادیث بر آراستگی، نظم در پوشیدن لباس، هماهنگی و تناسب لباس و رنگ آن با بدن و مرتب بودن پوشش در اجتماع شده است و حتی علاوه بر پوشیدن لباس آراسته و مرتب بودن لباس، در احادیث مختلفی به‌شانه زدن و مراقبت از موی سر و محاسن و پرهیز از ژولیدگی، تمیز نگه داشتن بدن و موی سر و... اشاره شده است.

### ۱۱-۳. توجه به ماهیت صنعتی و وجه کارکردی لباس در جامعه دینی

قرآن کریم در آیه ۸۰ سوره انبیاء صراحتاً به ماهیت صنعتی لباس اشاره می‌کند که از این آیه و سایر آیات موجود می‌توان به وجه کارکردی لباس در جهت تأمین نیاز انسان موحد به اقتضای موقعیت رهنمون شد. صنعت لباس باید خلاقانه در خدمت تأمین کارکردهای مطلوب باشد. این کارکردها اگرچه فی‌نفسه در اراده حق تعالی ریشه دارند و در ادراکات حقیقی جای می‌گیرند، اما نحوه تأمین آن‌ها در دنیای مادی به‌ناچار از اعتبارات عملی انسان و جامعه متأثر است؛ یعنی در نهایت، این انسان است که باید برای پوشش خود چیزی را بسازد و اختیار کند که پوشاندگی و زینت مفید و ممدوح را برای او به همراه آورد.

### ۱۲-۳. بهداشت و پاکی لباس

طهارت لباس و پاکیزه نگه داشتن آن نیز از امور مورد تأکید در روایات است؛ آن‌چنان‌که یکی از دلایل توجه به لباس سفید نیز همین امر بوده است. نظافت لباس از عوامل رفع غم و اندوه و عامل خواری دشمنان قلمداد شده است؛ ضمن آنکه در همین راستا بر حلال بودن و پاکی لباس (ذبح شرعی چرم حیوانات، پرهیز از پوست مردار یا حیوان حرام گوشت و...) هم تأکید شده است که در نسبت با جنس لباس نیز اشاره شد.

### ۳-۱۳. حریم‌داری و تفکیک میان لباس خانه و اجتماع

از توصیه‌های مختلفی که معصومان علیهم‌السلام در مورد پوشیدن لباس زیبا در خانه توسط زن و مرد و آرایش زن برای همسر خود و... و پرهیز از آرایش و جلوه‌گری زنان در اجتماع (بیرون از محیط خانه) نموده‌اند، رعایت حریم خصوصی و عمومی (حریم‌داری) به وضوح قابل برداشت است. همان‌سان که آرایش زن و شوهر برای یکدیگر در محیط خانه عامل تقویت محبت، قوام خانواده و روابط زناشویی است، آرایش و جلوه‌گری در اجتماع عامل فساد و انحراف و از بین رفتن قوام خانواده می‌شود. در کنار این موارد، مصادیق اسراف در پوشش بیش از هر چیز معطوف به استفاده از لباس در موقعیت نامناسب خود است (استفاده از لباس رسمی و بیرونی در محیط خانه و...); به این معنا که لباس باید به فراخور و تناسب موقعیت و زمینه خاص خود در خانه یا فضاهای مختلف جامعه مصرف شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

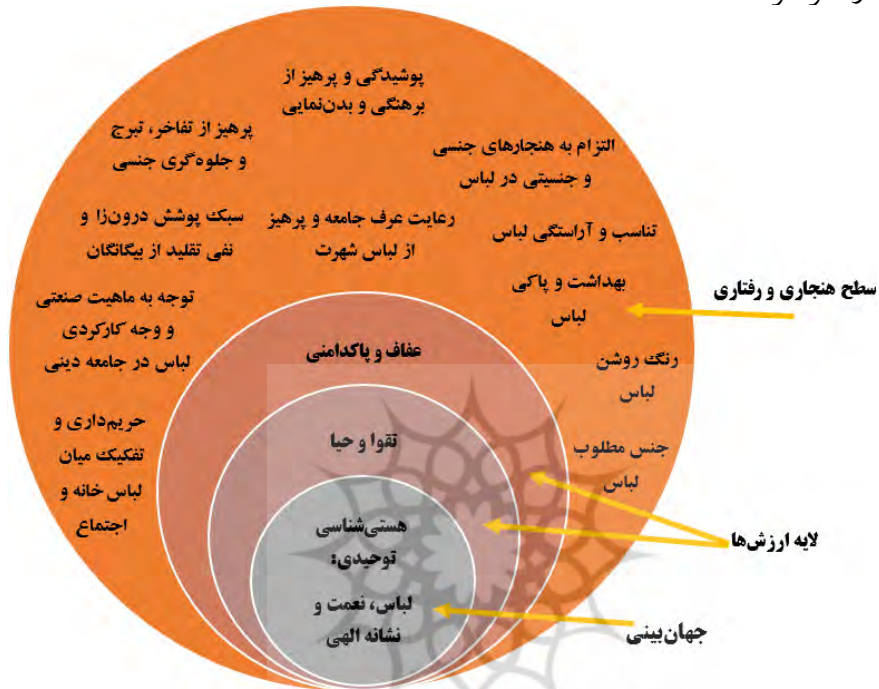
یکی از مسائل بنیادین و اساسی در هرگونه بحث یا طرح از پوشش اسلامی ایرانی، ابهام و عدم خودآگاهی نسبت به مبانی، اصول و متعاقباً شاخص‌های آن است؛ ابهامی که نه تنها مانع اتخاذ سیاستی معقول و روشن در مواجهه با مسئله مد لباس می‌شود، که فعالان داخلی چرخه لباس (اعم از طراح، تولیدکننده، توزیع‌کننده و...) را نیز نسبت به حدود و شاخص‌های عمل دچار سردرگمی می‌کند. بر همین اساس، در پژوهش حاضر به منظور حصول برداشتی اولیه از نظام ارزشی هنجاری پوشش اسلامی ایرانی ذیل هستی‌شناسی توحیدی فرهنگ ایرانی، به مطالعه آیات، احادیث و روایات مرتبط پرداخته شد تا از این طریق، طبقه‌بندی روشنی از مبانی و اصول لباس اسلامی ایرانی ارائه شود. به طور کلی، رویکرد اسلام به بحث بدن و مد و لباس، در نوع جهان‌بینی توحیدی و تعریف آن از انسان منعکس می‌شود.

«توحید اسلامی الهامی است در زمینه حکومت، در زمینه روابط اجتماعی، در زمینه سیر جامعه، در زمینه هدف‌های جامعه، در زمینه تکالیف مردم، در زمینه مسئولیت‌هایی که انسان‌ها در مقابل خدا، در مقابل یکدیگر، در مقابل جامعه و در مقابل پدیده‌های

از این رو با توجه به اینکه در نگرش توحیدی، فرد منقطع و رها نبوده و تکیه‌گاهی الهی دارد که منبع الهام‌بخش ارزشی و هنجاری او به شمار می‌رود، او همواره خداوند متعال را به‌عنوان ربّ و ناظر بر اعمال خویش در نظر گرفته و به دنبال متجلی ساختن توحید در تمام ابعاد زندگی خود بوده و نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کند. از این منظر، لباس به‌عنوان نعمت و نشانه الهی نگریسته می‌شود که تقوا، حیا و طهارت نفس (عفاف به‌عنوان ماحصل حیا) در آن محوریت دارد؛ بدن جسمانی در خدمت تعالی بعد روحانی است و نوع پوشش آن باید به‌گونه‌ای باشد که ذکر او را در دل زنده ساخته و آدمی را به سپاسگزاری و پیروی او نزدیک کند. به عبارت دیگر، کارکرد لباس به‌عنوان موهبتی الهی، پوشاندن عیوب و زشتی‌های انسان است و نه تنها باید انسان را از یاد خدا غافل نکرده و به فردیت خودش مشغول نسازد، بلکه فراتر از آن نباید موجب غفلت و گمراهی دیگران و زمینه‌ساز فساد در جامعه شود.

قرآن کریم از یک‌سو خاستگاه الهی لباس را به‌عنوان صورت نازلّه تقوا مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد و آن را مفید پوشاندگی و زینت برای انسان معرفی می‌کند (اعراف/ ۲۶) و از سوی دیگر از ماهیت صنعتی لباس به‌عنوان یک محصول کاربردی پرده برمی‌دارد (انبیاء/ ۸۰). بر اساس این دیدگاه، صنعت لباس باید خلاقانه در خدمت تأمین کارکردهای مطلوب باشد. این کارکردها اگرچه فی‌نفسه در اراده حق تعالی ریشه دارند، و در ادراکات حقیقی جای می‌گیرند، اما نحوه تأمین آن‌ها در دنیای مادی به‌ناچار از اعتبارات عملی انسان و جامعه متأثر است. یعنی در نهایت، این انسان است که باید برای پوشش خود چیزی بسازد و اختیار کند که پوشاندگی و زینت مفید و ممدوح را برای او به همراه آورد. پس تنوع و کثرت در سبک پوشش، در عین لحاظ اصول وحدت‌بخشی که در امتداد مبنای هستی‌شناسی توحیدی و ارزش‌های تقوا، حیا و عفاف مطرح می‌شوند، امری پذیرفتنی و مورد تأیید است؛ چه اینکه هر منطقه‌ای حسب جغرافیا و تاریخ و آداب و رسوم خود، سبک پوشش خاص خود را اعتبار می‌کند. آنچه در این بین مهم است، التزام به اصول مشترک منبعت از جهان‌بینی توحیدی و

لباس تقواست.<sup>۱</sup> بر همین اساس در ترسیم ارتباط میان مضامین یا اصول به دست آمده، می توان نظام ارزشی هنجاری لباس اسلامی ایرانی را به صورت ساده در قالب شکل ذیل در نظر گرفت:



شکل ۱: لباس اسلامی ایرانی؛ از مبنای توحیدی تا ارزش‌ها و هنجارها

در این شکل تلاش شده تا ارتباط دوسویه و پیوسته باورها، ارزش‌ها<sup>۲</sup> و هنجارها در لباس اسلامی ایرانی به تصویر کشیده شود؛ اصول و قواعدی که یکدیگر را قید می‌زنند و باید در نسبت منسجم با هم در نظر گرفته شوند. این اصول که بر مبانی جهان‌بینی

۱. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات / ۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید؛ در حقیقت، ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست؛ بی‌تردید خداوند دانای آگاه است.

۲. در کنار این ارزش‌ها می‌توان به ارزش‌هایی چون غیرت‌ورزی، مسئولیت‌پذیری و... اشاره کرد که در ارتباط با مسئله پوشش و آرایش بدن قرار دارند. اما در اینجا نظر به هم‌نشینی و طرح بیشتر ارزش‌های تقوا، حیا و خویش‌داری و عفاف در نسبت با لباس و پوشش در قرآن و احادیث، به‌عنوان ارزش‌های مبنای، این موارد برجسته شده و مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

توحیدی و ناظر به ارزش‌ها و هنجارهای در امتداد آن دسته‌بندی شده‌اند، می‌توانند به‌عنوان اصول مبنا یا حتی شاخص‌های کلی و اولیه در لباس اسلامی ایرانی در نظر گرفته شوند که در نتیجه مطالعات تکمیلی تاریخی و اقلیم‌شناسی ایران، قابلیت تدقیق بیشتر را در نسبت با تاریخ و جغرافیای ایران دارد.

اما در مواجهه با مد به‌عنوان یک پدیده مدرن، چنانچه اشاره شد مبناى مد در دنیای مدرن، اومانیزم و جهان‌بینی فردگراست و زمینه متفاوت تحولات جامعه صنعتی و سرمایه‌داری با کم‌رنگ شدن پیوندها و منابع هویت‌بخش سنتی به‌ویژه در نسبت با خانواده و دین و تمسک به منابع هویتی جدید در کلان‌شهر مدرن و گرایش مدام به امر نو به آن شکل داده است؛<sup>۱</sup> آن‌چنان‌که تغییر مداوم (چرخه کوتاه مدت و گذرا بودن)، پیوند جدی با مسئله بدن، مصرف‌گرایی، تظاهر و خودنمایی<sup>۲</sup> و حتی ساختار شکنی تدریجی و تبدیل شدن به یک صنعت پرطرفدار فرهنگی در امتداد بسط سرمایه‌داری، خصوصیات بارز آن را تشکیل می‌دهد. از این‌رو می‌توان گفت که مد و فشن در این مفهوم، از حیث مبنا و ماهیت در تناقض با ارزش‌ها و هنجارهای منبعث از جهان‌بینی توحیدی به نظر می‌رسد و ای‌بسا تعبیر مد اسلامی ایرانی از سوی برخی، نوعی تناقض‌گویی پنداشته شود. برای رعایت اختصار، این نقاط تمایز به تفکیک لایه‌های مختلف فرهنگ تا بعد هنجاری و رفتاری، بر اساس اصول احصاشده لباس اسلامی ایرانی در مواجهه با

۱. طبق نظرات جورج زیمل، ما در شهر مدرن، دیگر کانونی وحدت‌بخش نداریم و گمنامی نسبی افراد در شهر فاقد کانون وحدت‌بخش، موجب پیدایش نیاز به تمایز شخصی و راهی برای متمایز ساختن خویش از انبوه مردم می‌شود. در چنین شرایطی «... مد یکی از منابع اصلی افراد است تا بتوانند خود را به یکدیگر نشان دهند؛ چه اینکه گمنامی نسبی و ضرب‌آهنگ پرشتاب زندگی در مادرشهرهای مدرن اخیر، مستلزم روش‌های کاملاً بصری و نسبتاً فوری برای ابراز هویت فرد است» (بنت، ۱۳۸۶: ۱۵۵).
۲. مصرف‌تظاهری، گونه‌ای از مصرف‌خاص جوامع فردگرای مدرن است که در آن کالا، کسب اعتبار و تکیه بر عنصر اتلاف منابع و نمایش ثروتمندی، سنتی متداول و پذیرفته‌شده است و به‌طور خلاصه، کسب منزلت از طریق نمایش دادن سلیقه دنبال می‌شود (ایلخانی‌پور نادری و شجاعی باغینی، ۱۳۸۹: ۲۹).  
تورستین وولن در بحث از تغییر مد، آن را به‌نوعی به اصل ضایع کردن تظاهری پیوند زده و می‌نویسد: «اصل کلی ضایع کردن تظاهری، هنجار مسلط و مستولی بر شیوه لباس پوشیدن است. همراه با این اصل و به‌عنوان عاملی کمکی و تابع آن، هنجار دومی را باید نام برد که آن اصل‌ترن‌آسایی نمایان است. لباس نه‌فقط باید آشکارا گران‌بها و دست‌وپاگیر باشد، بلکه باید با آخرین پسند روز مطابقت کند» (وولن، ۱۳۸۳: ۱۹۵).

فرهنگ مدرن - پست مدرن، در قالب جدول ذیل ارائه می شود:

فرهنگ مدرن - پست مدرن	فرهنگ اسلامی ایرانی	سطح یا لایه
اومانیسیم / انسان گرایی تأکید بر حقوق طبیعی، امیال انسان و خواست فردی اعتباری شدن همه چیز و غلبه نسبیّت و تکثرگرایی	توحیدگرایی: لباس نعمت و نشانه الهی؛ تجلی توحیدی پوشش در جامعه وحدت در عین کثرت / پذیرش تنوع و کثرت در جلوه های پوشش اسلامی در عین التزام به اصول وحدت بخش آن (تنوع گرایی هم شناسانه)	جهان بینی
سرمایه داری (کاپیتالیسم / اصالت سود مادی) الغای سنت ها، ساختارشکنی و نوگرایی تقدم غرایز بر فطرت انسانی لذت گرایی	تقوا و حیا عفاف و پاکدامنی (اصالت ارزش های فطری در برابر اصالت غریزه؛ غریزه در امتداد فطرت) عیب پوشی و پوشاندن زشتی ها	ارزشی
اصالت بدن و بدن نمایی	پوشیدگی (اصالت پوشش بدن) و پرهیز از برهنگی	هنجاری
عرفی گرایی، تفاخر، تبرج و جلوه گری	رعایت عرف جامعه و پرهیز از لباس شهرت	
ساختارشکنی در حوزه جنسیت و اقتضانات متفاوت جنس زن و مرد در پوشش	التزام به هنجارهای جنسی و جنسیتی در لباس (تفاوت پوشش زن و مرد)	
تقلید و دنباله روی پیوسته از مد روز تمایز طبقاتی و گروهی	سبک پوشش درونزا و نفی تقلید از بیگانگان (سبک پوشش مقوم استقلال فرهنگی، اقتدار و عزتمندی ملی) تمایز از دیگری فرهنگی (کفار و دشمنان)	
توجه به ماهیت صنعتی مد لباس ذیل سرمایه داری متأخر و کسب سود مادی حداکثری (مد در انحصار صاحبان سرمایه) (مصرف گرایی و تغییر پیوسته سبک ها در	توجه به ماهیت صنعتی و وجه کارکردی لباس در جامعه دینی (لحاظ منطق اقتصادی و مردمی سازی صنعت لباس و نه انحصار آن)	

فرهنگ مدرن - پست مدرن	فرهنگ اسلامی ایرانی	سطح یا لایه
جهت حفظ بقا و رشد سرمایه‌داری) اصالت زیبایی در پیوند با بدن و جلوه‌گری (تبرج) مصرف‌گرایی، مصرف مظاهرانه	توجه همزمان بر کارکرد زیباشناختی لباس (تناسب، زیبایی و آراستگی لباس) و وجه کاربردی پوشاک با توجه به موقعیت و زمینه (اهمیت کاربرد و فایده‌مندی آن نسبت به تأمین نیاز روز انسان موحد)	
خودنمایی و جلوه‌گری (چشم‌وهم‌چشمی اجتماعی و جلب توجه دیگران با نوع پوشش و آرایش بدن)	حریم‌داری و تفکیک میان لباس خانه و اجتماع	

از جمله مهم‌ترین این تمایزات - آن‌طور که بابایی و اکبری نیز در پژوهش خود نتیجه می‌گیرند- این است که در چارچوب فرهنگ اسلامی ایرانی، پوشاک و خاصه لباس زنانه بر مبنای امکانات تولید حریم و حیا طراحی شده است؛ بنابراین، لباس در بیرون از حریم خصوصی محارم، نمی‌تواند برای برجسته ساختن زیبایی جسم و یا تأکید بر بدن به‌مثابه یک ابژه جنسی به کار رود. برای همین، نمایش زیبایی در پوشاک ایرانی با نمایش طرح و نقش پارچه و لباس صورت می‌پذیرد، نه نمایان ساختن اندام بدن. لباس بانوان در فرهنگ ایرانی بر مبنای عناصری همچون زیبایی، کاربرد و کارکرد و قابلیت تولید حریم برای فرد پوشنده، طراحی یا انتخاب می‌شود (بابایی و اکبری، ۱۳۹۳: ۲۵۷).

در عین حال، علی‌رغم وجود این تمایزات باید در نظر داشت که مد بخشی از واقعیت زندگی امروزی ما را به‌عنوان یکی از اقتضانات مدرنیته تشکیل داده است و حتی تحت تأثیر بازارهای جهانی، جامعه ما در حوزه مصرف بسیار شبیه به جوامع مصرفی مدرن شده است. از طرف دیگر، مد امروزه به یکی از صنایع پرطرفدار و سودآور فرهنگی در جهان معاصر تبدیل شده که در عین دستاوردهای اقتصادی، نقشی جدی در انتقال ایده‌های نو و رشد فرهنگی جوامع مبتنی بر میراث فرهنگی بومی آن‌ها ایفا می‌نماید و با توجه به ارتباط و پیوستگی آن با هویت فرهنگی یک جامعه و وجه نمادین و ظهور و بروز گسترده اجتماعی آن، پدیده‌ای مهم و اثرگذار در ارائه تصویر فرهنگی یک کشور یا ملت است (مهربانی‌فر، ۱۴۰۰). از این‌رو، نادیده گرفتن آن به معنای

تحمیل و غلبهٔ تدریجی الگوهای وارداتی و بیگانه است که خود در تقابل با آموزه‌های قرآن و حدیث قرار دارد، به‌ویژه آنکه در قرآن به‌وضوح ماهیت صنعتی و وجه کارکردی لباس در جامعهٔ دینی مورد تأکید قرار گرفته است؛ صنعتی که در خدمت مردم و احیاء ظرفیت‌های بومی باشد. همچنین بر اساس مبانی و اصول اسلامی، هیچ‌گاه وجود تنوع در سبک و طرح در الگوهای لباس نفی نشده است و یا نسبت به یک سبک یا رنگ یا طرح مشخصی تأکید نشده است که لباس همه افراد جامعه اجباراً به یک شکل خاص (متحدالشکل) باشد. بلکه کثرت و تنوع در عین حفظ اصول، ارزش‌ها، هنجارها و شاخص‌های وحدت‌بخش اسلامی ایرانی مورد تأیید است.

این امر به‌هیچ‌وجه به معنای صرف نظر کردن از تناقضات ذاتی مد با مبانی و اصول پیش‌گفته در منظومه هویت توحیدی اسلامی ایرانی نیست؛ بلکه به معنای تأکید بر مغتنم شمردن فرصت صنعت فرهنگی مد لباس در مفهوم کلی سبک فراگیر پوشش در یک دوره زمانی، جهت حضور مؤثر و گسترده در عرصه ملی و بین‌المللی بر مبنای اصول و ارزش‌های فرهنگ بومی و احیاء و بازتولید میراث فرهنگی اسلامی ایرانی در این حوزه است. به عبارت دیگر، مد در دلالت کلی آن به سبک فراگیر پوشش در یک دوره زمانی و یکی از صنایع پرطرفدار فرهنگی با توجه به ظرفیت‌های متنوع قومی و جغرافیای فرهنگی گسترده ایران اسلامی، فرصتی برای دستیابی به سبک متمایز و ملی اسلامی ایرانی است؛ به‌طوری که با تکیه بر اصول جهان‌بینی توحیدی می‌توان کثرتی وحدت‌بخش و سرشار از دلالت و معنا در برابر کثرت نسبی گرایانهٔ سرمایه‌داری در سبک پوشش خلق کرد.

### محدودیت‌ها و پیشنهادات

بدیهی است که مضامین عمیق و گستردهٔ آیات و روایات و عدم اطلاع دقیق از زمینه اجتماعی و موقعیت بیان حدیث و روایات، شناخت جامع و دقیق آن را دچار مشکل می‌کند و روش‌های بشری در شناخت چنین مضامین بلندی، مصون از خطا نیستند. در عین حال تلاش شد تا این محدودیت به‌ویژه در خصوص آیات با رجوع به تفاسیر و همچنین احادیثی که مبین این آیات بودند، حتی‌المقدور برطرف شود. اما این



به معنای عدم امکان مقوله‌بندی دقیق‌تر آموزه‌های قرآن و حدیث در سبک پوشش نیست. ضمن آنکه برای شناخت هرچه جامع‌تر اصول و شاخص‌های لباس ایرانی، علاوه بر بسط مطالعاتی و تحلیلی مسئله پژوهش حاضر، مطالعات تاریخی، دین‌پژوهانه و اجتماعی ناظر به موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

- مطالعه اصول و مؤلفه‌های سبک پوشش ایرانیان و فهم سیر تغییرات و تحولات آن با واکاوی دوره‌های مختلف تاریخی (از پیش از ورود اسلام تا دوره معاصر) به‌منظور فهم نظام زیبایی‌شناسی، چگونگی بازتاب توحیدگرایی در پوشش ایرانیان در دوره‌های مختلف تاریخی و کیفیت توجه به اقتضائات بومی، جغرافیایی و ...؛

- مطالعات تاریخی و مردم‌شناختی ناظر به پوشش اقوام در ایران و شناسایی موقعیت‌های مختلف جغرافیایی ایران فرهنگی و دلالت‌های آن در سبک پوشش؛

- مطالعات معناشناسی حوزه لباس و پوشش بدن در قرآن که با واکاوی روابط هم‌نشینی و جانشینی، درک دقیق‌تری از سیاق آیات در نسبت با مسئله لباس و پوشش در آموزه‌های قرآنی به دست دهد؛

- مطالعه تاریخی چگونگی پوشش و حضور اجتماعی بانوان منتسب به معصومان علیهم‌السلام و اصحاب و یاران ایشان در دوره‌های مختلف تاریخی؛

- مطالعه و ارزیابی انتقادی قواعد مرسوم، رویه‌ها و استانداردهای جهانی مد در نسبت با اصول و شاخص‌های اسلامی ایرانی پوشش و ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی نقش‌آفرینی مؤثر در صنعت فرهنگی مد لباس به‌منظور ارائه سبک متمایز و ملی اسلامی ایرانی پوشش.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، گردآوری ابوالحسن محمد بن حسین موسوی (شریف رضی)، ترجمه محمد دشتی، تهران، پیام عدالت، ۱۳۸۹ ش.
۳. آرنولد، ربکا، فشن، ترجمه منظر محمدی، تهران، مشکی، ۱۴۰۰ ش.
۴. آشنا، حسام‌الدین، و محمدرضا روحانی، «هویت فرهنگی ایرانیان: از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹ ش.
۵. اسمیت، فیلیپ، و الگزندر رایلی، نظریه فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۹۴ ش.
۶. اسونسن، لارس، فلسفه فشن، ترجمه آیدین رشیدی، تهران، مشکی، ۱۴۰۰ ش.
۷. افروغ، عماد، هویت ایرانی و حقوق فرهنگی، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۷ ش.
۸. ایلخانی‌پور نادری، علی، و محمدمهدی شجاعی باغینی، پوشش و حجاب رویکردی جامعه‌شناختی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۹ ش.
۹. ایلواری، محبوبه، و افسانه ادیسی، «مدیریت بدن و کسب هویت مدرن در شهروندان زن با رویکرد گراندد تئوری (مورد مطالعه: زنان شهر گرگان)»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال دهم، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۹ ش.
۱۰. بابایی، پروین، و فاطمه اکبری، «بررسی مبانی نظری طراحی مد لباس زنانه در الگوی ایرانی - اسلامی»، فصلنامه هنر، سال اول، شماره‌های (۱-۲)، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.
۱۱. بلیکی، نورمن، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نی، ۱۳۹۷ ش.
۱۲. بنت، اندی، فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران، اختران، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۴. حاجبانی، ابراهیم، «هویت ایرانی اسلامی و امنیت پایدار جمهوری اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۹۱ ش.
۱۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. حسینی‌پور سی سخت، نیکنام، فرهنگ، فعالیت فرهنگی و صنایع فرهنگی، تهران، زیتون سبز، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، صهبا، ۱۳۹۳ ش.
۱۸. دانش‌مهر، حسین، جمال محمدی، و الناز حسن‌خانی، «پوشش و معنای اجتماعی آن به میانجی سبک زندگی»، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، سال هفدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸ ش.
۱۹. سبحانی‌نژاد، مهدی، و زهرا امیری، «چارچوب مفهومی هویت اسلامی - ایرانی و ملاحظات عملی تعمیق آن در نظام دانشگاهی»، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۸)، پاییز ۱۳۹۲ ش.
۲۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، جهان، ۱۳۰۰ ش.
۲۱. همو، من‌الیحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.

۲۳. همو، *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشيخ المفيد*، تحقیق سیدحسن موسوی خراسان، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش.
۲۴. فیاض، ابراهیم، *مردم‌شناسی تحول در علوم انسانی*، قم، کتاب فردا، ۱۳۹۴ ش.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۲۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۷. محمدپور، احمد، *ضد روش؛ زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*، تهران، لوگوس، ۱۴۰۰ ش.
۲۸. مفتخری، حسین، «ایران و اسلام: هویت ایرانی، میراث اسلامی»، *دوفصلنامه جستارهای تاریخی*، سال چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش.
۲۹. موسوی، سیدحسن، *مد و مدگرایی و جایگاه آن در سبک زندگی اسلامی*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۷ ش.
۳۰. مهربانی‌فر، حسین، *چرخه مد در ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۴۰۰ ش.
۳۱. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسة آل البيت، لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۳۲. ویلن، تورستین، *نظریه طبقه مرفه*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نی، ۱۳۸۳ ش.
33. Donsbach, Wolfgang, *The International Encyclopedia of Communication*, New York, Blackwell Publishing, 2008.
34. Frings, Gini Stephens, *Fashion: From Concept to Consumer*, Pearson Education Limited, 2014.
35. Guest, Greg S., *Applied Thematic Analysis*, California, Thousand Oaks, Sage, 2012.
36. Hemphill, C. Scott & Jeannie Suk, "The Law, Culture, and Economics of Fashion," *Stanford Law Review*, Vol. 61(5), March 2009.
37. Petrenko, Valeriya V., "Fashion: the Game of Social Meaning as the Cynical Strategy of Consumption," *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, No. 200, 2015.
38. Pinto, Marcelo Machado Barbosa & Yeda Swirski de Souza, "From Garment to Fashion Production: An Analysis of the Evolution of the Apparel Industry in Brazil," *Brazilian Administration Review (BAR)*, Rio de Janeiro, Vol. 10(3), 2013.
39. Scapp, Ron & Brian Seitz (Eds.), *Fashion Statements: On Style, Appearance and Reality*, New York, Palgrave Macmillan, 2010.
40. Vago, Steven, *Social Change*, New Jersey, Pearson Prentice Hall, 2003.